**منطقِ حجاب در دفاع از حجاب الزامی**

رها قیاثی

طرح حجاب به مثابه امر شخصی و فردی که در دایره حقوق اولیه انسانی جای می­گیرد، مهمترین استدلال مخالفان حجاب الزامی به شمار می­رود. اتفاقا در این یادداشت نقطه عزیمت من برای اثبات حجاب الزامی، پذیرش حجاب به مثابه امر شخصی خواهد بود و هیچ بحث درون دینی در این باره نخواهم کرد.

فرض کنیم که حجاب و پوشش یک امر شخصی و در حیطه انتخاب شخص قرار داشته و از ابتدایی­ترین حقوق انسانی به شمار می­رود. پرسشی که مطرح می­شود این است که آیا امور شخصی و فردی در زندگی اجتماعی می­توانند موضوع مداخله دیگری قرار گیرند یا خیر؟ یعنی آیا می­توان شرایطی را تصور کرد که شخصی­ترین امور زندگی افراد با اعمال محدودیت، دخالت، اجبار و... مواجه شوند و این دخالت نیز منطقی و مشروع به نظر بیاید؟

پاسخ من به سوالم مثبت است. در ادامه منطقِ روشنی را برای مشروعیت این مداخله با ذکر مثال ارائه می­دهم:

پاسخ من به سوالم مثبت است. در ادامه منطقِ روشنی را برای مشروعیت این مداخله با ذکر دو مثال ارائه می­دهم:

مثال اول: قطعا تصدیق می­کند که امری شخصی­تر از سلیقه و ذائقه غذایی افراد وجود ندارد! من حق دارم انتخاب کنم که چه غذایی بخورم و چه غذایی نخورم. حال شرایطی را تصور کنید که در آن کارشناسان سلامت و بهداشت که همان پزشکان هستند نسبت به فست­فودی شدن سبک تغذیه جامعه هشدار داده و آن را یکی از مناشی مهم ابتلاء مردم به بیماری­های مختلف از جمله کبد چرب، سرطان، چاقی مزمن و... تلقی کرده و ادامه این روند را بحرانی برای وضع سلامت افراد بدانند. آیا در این شرایط می­توان نسبت به انتخاب غذایی افراد حساس شد و اقدام به مداخلات فرهنگی از جایگاه رسانه یا سیاستی از جایگاه وزارت بهداشت کشور نمود؟ آیا در این شرایط می­توانیم به مردم بگوییم آهای مردم لطفا فست­فود نخورید یا کمتر بخورید! یا به لحاظ ساختاری شرایطی را ایجاد کنیم که به اعمال محدودیت در خوردن فست­فود در جامعه منجر شود؟ یقینا به حکم عقل این مداخله کاملا مشروع است.

مثال دوم: نحوه خرج کردن پول توسط فرد یکی دیگر از آن حقوق شخصی و فردی است که ظاهرا کسی حق ندارد به او بگویید پولت را اینگونه خرج کن و فلان چیز را بخر یا نخر!

حال اگر ثبات در بازار ارز و طلا و مسکن و... را براساس توافق جمعی، وضع بهنجار اقتصادی تلقی کنیم، هر پدیده­ای که این وضع بهنجار را به مخاطره انداخته و ثبات را از بین ببرد باید آن را حذف یا کنترل کنیم. براساس نظرات قریب به اتفاق همه کارشناسان اقتصادی و تجربه عمومی همه ما، رشد نقدینگی در جامعه و عدم کنترل آن باعث ایجاد تورم و از بین رفتن ثبات در بازارهای ارز و طلا و مسکن و... می شود. تجربه ما در این سال­های اخیر هم نشان داده که وقتی پول در دست مردم زیاد باشد و دولت برای هدایت آن برنامه­ای نداشته باشد، مردم این پول را به سمت این سه بازار اصلی هدایت کرده و باعث برهم خوردن نظم آن می­شوند. حال عقلا و منطقا باید به این حکم کنیم که یک کسی(مهم نیست چه کسی) باید در این وضع مداخله کرده و سیاست­ها یا قوانین یا تدابیری بیاندیشد که نقدینگی و پول در اختیار مردم در جای مناسب هزینه گردد.

پس می­توان شرایطی را متصور شد که در آن حتی امور شخصی که جزء ابتدایی­ترین حقوق بشر محسوب می­شوند، مورد مداخله دیگری قرار گیرند. منطقی که من برای اثبات مشروعیت مداخله در امور شخصی ترسیم کرده­ام به لحاظ صوری دارای 3 عنصر مهم است: 1. وجود وضع بهنجار مورد پذیرش عموم 2. عنصری که این وضع بهنجار را به مخاطره انداخته و توافق بین­الاذهانی راجع به آن عنصر مخرب وجود دارد و 3. تصدیق مشروعیت مداخله در آن عنصر

حال این منطق را می­توان درباره حجاب و پوشش به مثابه امری فردی و شخصی به کار برد. صورت این استدلال درباره حجاب اینگونه خواهد بود:

وضع بهنجار جنسی در جامعه این است که ارضای نیاز جنسی افراد از طرق مشروع، قانونی و مورد پذیرش عرف که همان ازدواج است، صورت گیرد و طرق دیگر از قبیل خودارضایی و... نابهنجار هستند. حتی اگر در مطلوبیت ازدواج در جامعه فعلی اتفاق نظر وجود نداشته باشد(که به نظر من در اکثریت وجود دارد) در مذمّت و نکوهش استمناء توافق نظر وجود دارد و نظرات علمی و پزشکی نیز بر مضرات این رفتار صحه می­گذارند. مهمترین عامل افزایش استمناء در میان جوانان نیز تحریک جنسی و عدم دسترسی به طرق دیگر ارضای جنسی است. حال اگر به علم حضوری و وجدان فردی تصدیق کنیم که میان زن و مرد به طور طبیعی کشش جنسی وجود دارد و این دو در شرایط طبیعی و نرمال نسبت به یکدیگر جنبه تحریک­کنندگی دارند، و نیز بپذیریم که همه افراد جامعه در شرایط فعلی دسترسی به طرق مشروع ارضای نیاز جنسی ندارند، منطقا باید به مداخله در جهت کاهش زمینه­های تحریک جنسی در جامعه حکم داده و به مشروعیت آن رای بدهیم. زمینه­های تحریک جنسی در جامعه در ساحت فضای مجازی می­شود سایت­های مبتذل و در ساحت فضای عینی می­شود بدپوشی و آرایش جنسی!